

Transhistoricity of the Quran and the Mechanisms of Delivering Transtemporal and Transcendental Messages in Specific Historical Vessels

Mohammad Arabsalehei¹, Faride Pishvaei^{2}*

1. Associate Professor, Department of the Logic of Understanding Religion, Research Institute for Islamic Culture and Thought, Qom, Iran
2. Assistant Professor, Masoumiyeh Higher Education Seminary, Iran
(Received: April 14, 2022; accepted: July 5, 2022)

Abstract

One of the main issues of the philosophy of religion is the universality and quality of the responses of Islam and the Quran – as the most important source of Islamic knowledge – to novel issues despite the fact that the revelation of the Quran has occurred in certain historical conditions. In the theory of transhistoricity of the Quran, which has been developed in Arabic countries and has been affected by the philosophical hermeneutic discussions and orientalist's infusions, the Quranic messages are deemed as temporally limited. This issue has been criticized extensively in other works and the reasons to prove the transtemporality of the Quran have been explained in detail in other sources. However, what is important here and in need of explanation regards the mechanisms used in the Quranic expression style that can guarantee its transhistoricity. To this end, the study at hand adopted a descriptive-analytical method. First, the reasons against the historicity of the Quran – such as solving the seeming paradox of the expression of eternal messages following a certain cause of revelation as well as the proving the non-historicity of the human writings and conventions and the subsequent generalization of this reasonable method to the Quran – are given. Then, the reasons that prove the transhistoricity of the Quran – such as the installation of infallible exegetes of the Quran as a mechanism to respond to all new issues, the significations of the general Quranic words, and the intense fight against Jahiliyyah – are provided. Finally, the article argues that the *Iltifat* rhetorical device (grammatical shift for rhetorical purposes), general conclusions made based on small incidents, abstraction of historical events from details, inclusion of general messages while narrating the events, and the superiority of the guidance aspect of the historical reports of the Quran over their historical aspects are the mechanisms foreseen to preserve the transtemporality and transcendence of the Quranic messages.

Keywords: historicity, transtemporality, transcendence, Quranic messages, Quranic mechanisms, Imamate.

*Corresponding Author: fpishvaei@gmail.com

فرا تاریخ بودن قرآن و سازوکارهای انتقال پیام‌های فرا زمانی و فرا مکانی در ظروف تاریخی خاص

محمد عرب صالحی^۱، فریده پیشوایی^{۲*}

۱. دانشیار گروه منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران

۲. استادیار مؤسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴)

چکیده

یکی از مسائل مهم فلسفه دین، جهان‌شمولی و کیفیت پاسخگویی دین و قرآن به‌عنوان مهم‌ترین منبع معرفتی به مسائل نوپدید علی‌رغم نزول در شرایط خاص تاریخی است. در رویکرد تاریخ‌مندی قرآن که زادگاه آن کشورهای عربی است و بعضاً ملهم از مباحث هرمنوتیک فلسفی و القائات مستشرقان شکل گرفته، پیام‌های قرآنی تاریخ‌مند تلقی شده‌اند. این موضوع در جای خود به تفصیل نقد و دلایل اثبات فراتاریخی بودن قرآن به تفصیل بیان شده است، اما این امر حائز اهمیت و نیازمند تبیین است که در سبک بیانات قرآن، چه سازوکارهایی به‌کار رفته تا فراتاریخی بودن قرآن را تضمین کند؟ نوشتار حاضر به روش توصیفی-تحلیلی پس از بیان وجوه نافی تاریخت قرآن مانند حل پارادوکس ظاهری بیان پیام‌های جاودانه به دنبال سبب نزول خاص و تاریخی نبودن نوع مکتوبات و معاهدات بشری و تعمیم این شیوه عقلایی به قرآن، به وجوه اثبات‌کننده فراتاریخی بودن قرآن مانند تعبیه سازوکار پاسخگویی به تمام مسائل نوپدید در دل قرآن با نصب مفسر معصوم، دلالت خطابات عام قرآنی و نیز مبارزه نفس‌گیر با فرهنگ جاهلی اشاره می‌کند و سپس نشان می‌دهد صنعت التفات، نتیجه‌گیری‌های کلی از حوادث جزئی، تجرید حوادث تاریخی از جزئیات، ضمیمه کردن پیام‌های کلی در لابه‌لای ذکر حوادث و غلبه جنبه هدایتی گزارش‌های تاریخی قرآن بر جنبه تاریخی، سازوکارهای پیش‌بینی‌شده برای فرا زمانی و فرامکانی بودن پیام‌های قرآن‌اند.

واژگان کلیدی

امامت، پیام‌های قرآن، تاریخ‌مندی، سازوکارهای قرآنی، فرا زمانی، فرامکانی.

۱. مقدمه

نزول تدریجی قرآن در ظرف تاریخی خاص، موجب شکل‌گیری رویکردهای مختلفی از رابطه قرآن و تاریخ شده که در برخی از آنها از جمله رویکرد تاریخ‌مندی قرآن، با تأکید بر حیث دیالوگی قرآن و ظرف تاریخی خاص نزول، تفسیری متعارض با اصول مسلم دین اسلام ارائه شده است. این رویکرد که شروع آن در نواندیشان عرب بوده و سپس به نواندیشان ایرانی سرایت کرده، قرآن را متنی تاریخی و در نتیجه پیام‌های آن را مقطعی تلقی می‌کند که صلاحیت امتداد در تمام اعصار را ندارد. این مسئله ضرورت نقد این دیدگاه را دوچندان می‌سازد و از این رو در آثار متعددی این نظریه به چالش کشیده شده است؛^۱ مانند کتاب *تاریخی‌نگری و دین (عرب‌صالحی)*، ۱۳۸۷) و مقاله «مبانی تاریخ‌مندی قرآن و تحلیل و نقد مبنای وحی شناختی آن» (عرب‌صالحی، ۱۳۹۵). در بخشی از کتاب یادشده پس از بیان پیشینه تاریخی‌نگری نسبت به دین و پیامدهای آن، برخی از ادله معتقدان به تاریخ‌مندی و موقعیت‌مندی قرآن بیان و نقد شده و در ادامه به اختصار به ابعادی از این مسئله مانند اسباب نزول یا نقد تاریخ‌مندی پاره‌ای از آموزه‌های دین اشاره شده است. در اثر دوم این مبنا که وحی حیث دیالکتیک با واقعیت‌های زمان نزول دارد، نقد، و نحوه تعامل وحی با واقعیت‌های زمان نزول تبیین شده است. در بعضی آثار نیز از منظر کلامی به تحلیل ادله جاودانگی قرآن پرداخته شده، مانند مقاله «جاودانگی قرآن و حقیقت وحی» (عارفیان، ۱۳۸۲). برخی مقالات نیز به صورت موردی این موضوع را در آثار یکی از اندیشمندان یا در قالب قاعده خاص بررسی کرده‌اند؛ مانند «دلایل جاودانگی قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی» (علیانسب و امیری، ۱۳۹۳) و «تجلی جاودانگی قرآن در قاعده جری و تطبیق» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶)، اما مقاله حاضر درصدد پاسخگویی به این مسئله است که با توجه به فراتاریخ بودن قرآن، وجوه نافی ملازمت بین نزول در ظرف زمانی خاص و تاریخیت قرآن و نیز وجوه اثبات‌کننده فراتاریخی بودن قرآن کدام‌اند و بر این اساس چه سازوکارهایی در انتقال پیام‌های فرازمانی و فرامکانی در قرآن به کار رفته است.

۱. رک: قرآن و فرهنگ زمانه، محمدعلی ایازی.

۲. مروری بر رویکرد تاریخی در تفسیر قرآن و نتایج آن

تاریخ‌مند دانستن پیام‌های قرآن یکی از رویکردهایی است که در آثار روشنفکران معاصر مانند محمد آرکون، حسن حنفی و نصر حامد ابوزید و نیز برخی روشنفکران ایرانی مانند سروش، مجتهد شبستری و ملکیان می‌توان ملاحظه کرد که نتایج نادرستی به دنبال داشته است. در این رویکرد، نوع آیات قرآن برآمده از اسباب و واقعیت‌های خارجی و عینی جامعه زمان نزول تلقی شده و قرآن به‌رغم نزول از ناحیه خداوند، تنها محصولی فرهنگی است که در دوره‌ای تاریخی و متأثر از فرهنگ و آداب و رسوم خاص شکل گرفته و اعتقادات و نظام حقوقی و خانوادگی عرب قبل از اسلام در قرآن مشهود است. این اندیشه ریشه در افکار مغالطه‌آمیز مستشرقان دارد. برخی همچون گلدزیهر مجارستانی معتقدند ایده فراگیری و عمومیت رسالت پیامبر (ص) بعداً به وجود آمد و آنچه وی آورده بود، بیش از نیاز بعضی اعراب که در زمان حیات او به اسلام گرویده‌اند، نبود و اینکه پیامبر (ص) اصل فقهی آورده باشد که مکان‌ها و زمان‌ها را فرا گیرد و گنجایش همه اماکن و اعصار را داشته باشد، تحقق نیافته است، زیرا محمد نمی‌دانسته که چه می‌کند! (غزالی مصری، ۱۳۶۳: ۸۰-۷۹). نتایج حاصل از این رویکرد عبارت‌اند از: اعتقاد به امکان افزایش یا کاهش آیات (نقض جامعیت قرآن) (سروش، ۱۳۸۵: ۱۴؛ ۱۳۷۸: ۱۹)؛ تأثیرپذیری قرآن و معارف قرآنی از فرهنگ مخاطبان عصر نزول (نقض جهان‌شمولی قرآن) (ابوزید، بی‌تا: ۵۱-۵۰؛ سروش، ۱۳۸۱: ۵۸-۵۷؛ ۱۳۸۵: ۱۵-۱۴؛ ملکیان، ۱۳۸۱: ۶۳-۶۲)؛ عدم موضوعیت داشتن برخی جنبه‌های دین مانند احکام فقهی و احکام اجتماعی (نقض جاودانه و فرازمانی بودن قرآن) (ربک: سروش، ۱۳۸۶: ۱۰؛ سروش، ۱۳۸۱: ۶۰-۵۷؛ ملکیان، ۱۳۸۱: ۶۳-۶۲). برخی از پیامدهای این رویکرد نیز در مباحث مربوط به زنان از جمله مخالفت با حکم حجاب بانوان و تساوی حقوق خانوادگی زن و مرد در اندیشه روشنفکران زن دیده می‌شود. در این مقاله پس از بیان وجوه فرازمانی و فرامکانی پیام‌های قرآن، سازوکارهای انتقال این پیام‌ها و دستورالعمل‌های جهان‌شمول، در ظروف خاص تاریخی، از طریق شواهد درون‌متنی در خود قرآن تشریح خواهد شد. در بخش اول مقاله نشان داده خواهد شد که

نظریه تاریخ‌مندی قرآن حتی در موارد نزول خاص هم ناکارآمد است و در این زمینه جوهی برای اثبات فراتاریخ بودن این دسته از آیات ارائه می‌شود. بخش دوم مقاله متکفل بیان سازوکارها و چگونگی ارائه این پیام‌های فراتاریخی با وجود نزول در ظروف تاریخی خاص است.

۳. ضرورت نزول قرآن هماهنگ با زبان مخاطبان عصر نزول

پیش از ورود به بحث شایان ذکر است که به تصریح خود قرآن، قرآن هماهنگ با زبان مخاطبان عصر نزول نازل شده است (ر.ک: یوسف/۲؛ شعراء/۱۹۵-۱۹۲)، اما از آنجا که قرآن باید همه جهانیان در زمان‌ها و موقعیت‌های گوناگون را خطاب قرار دهد، ضرورتاً باید خود را از هر تعینی که از جهان خارج بر آن وارد می‌شود، آزاد سازد، هرچند یک سوی آن انسان است و بافتی که می‌باید مورد خطاب قرار دهد، واقعی است انکارناپذیر. در عین حال آزاد بودن قرآن از هر عامل خارجی، آن را در قبال شرایط بیرون از کتاب بی‌اعتنا نمی‌سازد (ر.ک: قیطوری، ۱۳۸۲: ۸۰-۷۹)، بدین سبب این امر، انکارناپذیر است که پیام‌های قرآن در بخشی از گزاره‌های فرهنگی-اجتماعی ناظر بر فرهنگ مخاطبان زمان نزول و نه تأثیرپذیرفته از آن بوده و نوعاً درصدد ایجاد فرهنگ جدید بوده است. این امر از نظر قائلان به رویکرد تاریخ‌مندی قرآن مغفول مانده، ضمن اینکه باید توجه داشت محدود کردن قرآن به فرهنگ مردمان عصر نزول، مانع تفسیر علمی و عمیق شده و هرگونه تلاش را برای فهم عمیق‌تر قرآن و فراتر از فهم مردم عصر نزول نفی می‌کند. پیشرفت علم و نیاز انسان به معارف عمیق موجب می‌شود استعدادی ویژه برای طرح مسائل نو پدید آید که در زمان‌های پیشین مطرح نبوده است و امروز به مقتضای فضل خداوند باید به آن پاسخ داده شود: «وَأَتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ» (ابراهیم/۳۴). پس ناچار قرآن که تنها مرجع همیشگی مردم است، باید برآورده‌کننده همه نیازها و مشکلات بشر باشد و به هر پرسش جدید، پاسخی نو دهد (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۱۲۲).

۴. فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن

در اثبات فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن ادله فراوانی وجود دارد که در جای خود

به تفصیل بیان شده و در اینجا درصدد شمردن آنها نیستیم، ولی پیش از ورود به بحث اصلی، به اجمال به چند وجه سلبی و ایجابی اشاره می‌شود که ملازمت بین تاریخت و نزول پیام‌های قرآن در ظرف نزول خاص زمانی را نفی و فرازمانی و فرامکانی بودن پیام‌های قرآن را ثابت می‌کند.

برخی از وجوه نفی تاریخت پیام‌های قرآن عبارت‌اند از:

۱.۴. حل پارادوکس ظاهری بیان پیام‌های جاودانه به دنبال سبب نزول خاص

پارادوکس ظاهری بیان پیام‌های جاودانه به دنبال سبب نزول خاص آیات، یکی از دستاویزهای معتقدان به تاریخ‌مندی پیام‌های قرآن است، زیرا از نظر ایشان متن قرآن واکنش و پاسخ مبنی بر قبول یا رد آن واقعه خارجی است (ابوزید، ۱۳۸۰: ۱۷۹)، بنابراین به همان مورد نزول و جامعه حجاز مخاطب قرآن اختصاص دارد و قابل تسری به دوره‌های بعد نیست. در پاسخ گفتنی است:

اولاً: تعداد بسیار محدودی از میان ۶۲۳۶ آیه قرآن دارای سبب نزول است. آیات فراوانی وجود دارد که بدون داشتن سبب خاص، رویداد مشخص یا سؤال از پیامبر (ص) ابتدائاً بر حضرت نازل شده‌اند، مانند بسیاری از آیات مربوط به مبدأ و معاد، جزئیات مرگ و خصوصیات بهشت و جهنم و ...، بنابراین داشتن سبب نزول برای تمام آیات عمومیت ندارد که به دنبال آن شبهه تاریخی بودن قرآن مطرح شود. درباره تعداد دقیق آیاتی که دارای سبب نزول هستند، اتفاق نظر وجود ندارد، ولی گفته شده حدود ۴۶۰ حادثه کوچک و بزرگ عامل و سبب نزول بوده (رک: ایازی، ۱۳۷۸: ۳۷ و ۳۸) که در مقابل تعداد کل آیات، عدد ناچیزی است.

ثانیاً: این اشکال ناشی از خلط انگیزه با انگیزه است؛ توضیح آنکه لزوماً تاریخی بودن سبب نزول که همان انگیزه باشد، موجب تاریخی شدن پیام قرآن یعنی انگیزه نخواهد شد؛ چراکه آن سبب، سبب تشریح حکم نبوده و رابطه بین این دو علی و معلولی و تأثیر و تأثر نیست، بلکه تنها جایگاه و ظرف مناسب نزول حکم بوده است. در نگاهی دقیق اسباب نزول صرفاً ظرف زمانی و مکانی مناسبی را برای نزول پیام‌های جاودانه قرآن ایجاد کرده‌اند

و سببیت و مدخلیتی در تشریح حکم و جعل آموزه‌های دینی و محتوای آن ندارند و قرآن به تناسب موضوعات، از حوادث تاریخی به عنوان ظرف نزول بهره برده و قانون کلی و دائم را به اقتضای آن حوادث تشریح و ابلاغ کرده است. البته بدیهی است که این محتوا را در قالب خاص سبب نزول ارائه کرده است، ولی تاریخی بودن قالب به محتوا سرایت نمی‌کند.

۲.۴. شواهد عرفی و اجتماعی

وجه دیگر در نفی تاریخی بودن پیام‌های قرآنی که در ظرف خاص زمانی نازل شده‌اند، شواهد عرفی و اجتماعی‌اند، با این توضیح که می‌توان با استناد به شواهد عرفی و اجتماعی در ابلاغ پیام‌ها، آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و ... و تعمیم این شیوه عقلائی، بر نفی لزوم تاریخی بودن محتوای قرآن استناد کرد. در سبک زندگی شخصی افراد و نیز روابط اجتماعی و سیاسی، قرارها، قراردادها و قوانین بسیاری وجود دارد که ضمن داشتن منشأ تاریخی طبیعتاً در زمان یا مکان خاصی به وقوع پیوسته است، ولی هیچ‌گاه مفاد آن، تاریخی و محدود و منحصر به زمان منعقد شدن قرار یا تنظیم دستورالعمل نبوده است. اینکه فردی روزی به این نتیجه می‌رسد باید مهارتی کسب کند یا در روابط اجتماعی امری قرارداد و به مردم ابلاغ می‌شود یا مسئولان کشوری در سیاست خارجی در جلسه‌ای، راهبرد خاصی را تصویب می‌کنند، از نظر عرف و سیره عقلا هیچ‌کدام تاریخ‌مند نیستند و هیچ‌گاه ادعا نمی‌شود که آن تصمیم یا قانون یا راهبرد پس از گذشت زمان از تاریخ وضع، قابل اجرا نیست و تنها برای همان زمان و مکان انعقاد آن معتبر بوده است. این سیره، مورد قبول عرف و عقلا و قابل تعمیم به محتوا و پیام‌های قرآن است که در ظرف زمان و مکان خاصی نازل شده است. همچنین اگر قانونی از یک جایگاه رسمی به زبان خاصی نوشته و ابلاغ شد، لزوماً به مردم و اهل آن زبان اختصاص ندارد. برای مثال عهدنامه و توافق‌نامه‌ها بین حکام کشورها با هر زبانی تنظیم و نوشته شود، برای طرفین لازم‌الاجراست. این امر نیز به قرآن قابل تسری است. اینکه قرآن می‌فرماید: «وَأَوْحَىٰ إِلَيْنَا هَذَا الْقُرْآنَ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام / ۱۹) و تعبیر او وحی را به کار می‌برد و نمی‌فرماید: به وسیله قرائت آن، از آن

جهت است که قرآن بر هر کس که الفاظ آن را بشنود یا معنایش را بفهمد و به مضامین و محتوای آیات از طریق ترجمه و ... پی ببرد، حجت است. در زندگی عرفی انسان‌ها نیز لزوماً نامه‌هایی که برای قومی فرستاده می‌شود، به زبان آن قوم نباید باشد، همانند نامه‌ای که پیامبر (ص) به سران مصر و حبشه و روم و ایران نامه نوشت، حال آنکه زبانشان با زبان پیامبر (ص) متفاوت بود، چنانکه غیر عرب‌زبانان مانند سلمان فارسی و بلال حبشی و صهیب رومی و عده‌ای از یهود با زبان عبری به حضرت ایمان آوردند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۴۰-۳۹)، بنابراین عربیت زبان قرآن در لزوم اطاعت و عمل به مفاد آن مداخلیت ندارد. برخی از وجوه نیز اثبات‌کننده فرا زمانی و فرامکانی بودن پیام‌های قرآن هستند که در ظرف زمان خاص نازل شده‌اند. برخی از مهم‌ترین این موارد عبارت‌اند از:

۳.۴. تعبیه سازوکار پاسخگویی به تمام مسائل نوپدید در دل قرآن با نصب مفسر معصوم در کنار قرآن تا روز قیامت

تعبیه سازوکار پاسخگویی به تمام مسائل نوپدید در دل قرآن با نصب مفسر معصوم در کنار قرآن تا روز قیامت از مهم‌ترین وجوه اثبات‌کننده فرا تاریخ بودن قرآن است. از مهم‌ترین تمهیدات در شمول اصول دین که در ظرف زمان خاص یعنی زمان حیات پیامبر (ص) تشریح شده، تشریح اصل امامت و تعبیه مفسر و مبین معصوم در کنار قرآن است. خداوند در آیه اکمال می‌فرماید: «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده / ۳). علامه طباطبایی ذیل این آیه پس از نقل و رد احتمالات مذکور در تبیین چگونگی تأیوس شدن کفار از دین مسلمانان می‌نویسد: «ناامید شدن کفار زمانی بود که خداوند فردی را جانشین پیامبر (ص) فرمود تا بدین وسیله پس از رحلت ایشان وظیفه حفظ و تدبیر و ارشاد امت را به عهده گیرد؛ زیرا به گمان آنان اگر امر دین قائم به فرد خاص یعنی پیامبر (ص) بود، با نبود ایشان؛ دین هم از بین می‌رفت، اما وقتی قیام به حامل شخصی تبدیل به حامل نوعی (یعنی امام معصوم) شد، آن روز، دین به کمال خود رسیده و از حالت حدوث به بقا متحول می‌گردد و این همان امر نصب امام علی (ع) در غدیر خم به جانشینی

حضرت است که در روایات بدان اشاره شده است» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۵: ۱۷۸-۱۷۶)، توضیح آنکه مطابق آیه اکمال، کافران که در این روز مأیوس شده و امید خود را بر پیروزی بر اسلام از دست دادند، یأس آنها از غلبه بر دین اسلام بود: «الْيَوْمَ يَأْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ»، زیرا آخرین امیدشان در خاموش کردن نور اسلام، مرگ پیامبر (ص) و بدون متولی باقی ماندن دین بود، چراکه حضرت فرزند پسری نداشت تا جانشین وی باشد و لذا از زمانی که پیامبر (ص) در مکه بود، او را ابتر می خواندند؛ در این صورت تنها چیزی می توانست امید آنها را به یأس بدل کند که بتواند بقای اسلام را تضمین کند، زیرا بدیهی است که دین از حیث تعلیم و تبلیغ احکام الهی به هر میزان که باشد، نمی تواند بقای خودش را حفظ کند و تنها در صورت تدبیر برای ادامه راه نبی است که بقا و استمرارش تضمین خواهد شد. زمانی که دشمنان اسلام فهمیدند حضرت در روز هجدهم ذی الحجه سال دهم هجرت، در صحرای غدیر خم و در بین جمعیت انبوه مسلمانان، عالم ترین، آگاه ترین و نیرومندترین فرد جهان اسلام را به جانشینی خود انتخاب کرد، آرزوهای خویش را بر بادرفته دیدند و از نابودی اسلام مأیوس شدند. در روز غدیر استمرار داشتن حکم رسالت پس از او توسط کسی که در قول و فعل مثل اوست ابلاغ شد (صادقی تهرانی، بی تا، ج ۷: ۱۰۷). نیز با انتخاب امام علی (ع)، نبوت ناتمام نماند، بلکه به سیر تکاملی خود ادامه داد، زیرا امامت تکمیل کننده نبوت و در نتیجه موجب کمال دین است. اگر دین اسلام امر ولایت را نمی داشت، کمالش تا زمان حضور پیامبر (ص) بود و پس از آن دچار نقیصه بود و با آمدن ولایت برای زمان های پس از پیامبر (ص) تا روز قیامت این نقیصه برای همیشه رفع شد و بدین وسیله سازوکاری برای پاسخگویی به تمام مسائل نوپدید تا روز قیامت در کنار قرآن تعبیه شد. در واقع اسلام بدون امامت و رهبری، یک دین جهانی فراگیر و خاتم نمی شد، زیرا دین خاتم باید همواره پاسخگوی نیازهای مردم در تمام زمان ها باشد و این، بدون وجود امامی معصوم در هر زمان امکان پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۵۷-۵۶). پروفیسور هانری کربن استاد فلسفه در دانشگاه سوربن فرانسه و مستشرق نامدار فرانسوی می گوید: «به عقیده من مذهب تشیع تنها مذهبی است

که رابطه هدایت الهی را میان خدا و خلق برای همیشه نگه داشته و به‌طور مستمر و پیوسته ولایت را زنده و پایرجا می‌دارد. مذهب یهود نبوت را که رابطه‌ای واقعی میان خدا و عالم انسانی است، در حضرت کلیم ختم کرده و پس از آن به نبوت حضرت مسیح و حضرت محمد (ص) اذعان نموده و رابطه مزبور را قطع می‌کند. همچنین مسیحیان در حضرت مسیح متوقف شده‌اند. اهل سنت از مسلمانان نیز در حضرت محمد (ص) توقف کرده و با ختم نبوت ایشان دیگر رابطه‌ای میان خالق و مخلوق موجود نمی‌دانند. تنها مذهب تشیع است که نبوت را با حضرت محمد (ص) ختم شده می‌داند، ولی ولایت را که همان رابطه هدایت و تکمیل می‌باشد، بعد از آن حضرت و برای همیشه زنده می‌داند» (طباطبایی، ۱۳۸۷: ۳۱).

۴.۴. دلالت خطابات عام قرآنی

آشکارترین وجه اثبات‌کننده فرازمانی و فرامکانی و شمول گزاره‌های قرآنی، دلالت خطاب‌های عامی است که قرآن به کار برده، مانند خطاب قرار دادن «ناس»، «من بلغ»، «عالمین»، «بشر» در آیات «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ» (بقره/ ۱۸۵)؛ «تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْقُرْآنَ عَلَى عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا» (فرقان/ ۱)؛ «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا» (سبا/ ۲۸)؛ «وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ» (قلم/ ۵۲)؛ «هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ» (ابراهیم/ ۵۲) و «نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ» (مدثر/ ۳۶). بررسی آیات نشان می‌دهد غیر از موارد خاص مانند آیه تطهیر همه جا خطابات قرآن با «یا ایها الناس» و «یا ایها الذین آمنوا» و امثال آنها شروع می‌شود و در هیچ موردی تعبیری مانند «یا ایها العرب» و «یا قریش» و ... وجود ندارد (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۸: ۲۰۶). خطاب قرار دادن «بشر»، «عالمین»، «اولالباب»، «من کان له قلب»، بهترین شاهد بر جهان‌شمولی خطاب‌های قرآن است. نکته مهم آنکه بسیاری از این آیات در مکه نازل شده که هنوز اسلام از این شهر به بیرون تجاوز نکرده بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۳۴۴). نیز با تأمل در آیات مذکور و همانندشان می‌توان قاعده اشتراک خطابات را در پیام‌های قرآنی ساری و جاری دانست. طبق این قاعده خطابات صادرشده از سوی شارع مانند

«أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» همه مخاطبان را در برمی گیرد، چه آنان که در مجلس خطاب و قانونگذاری حاضر بوده اند و چه غایبان از مجلس قانونگذاری و وضع احکام، و چه کسانی که حتی در زمان خطاب موجود نبوده و بعد به وجود آمده اند (مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۹: ۶۱۲). علامه طباطبایی درباره خطابات قرآنی می فرماید: قرآن در مطالب خود اختصاص به امتی از امم مانند امت عرب یا طایفه‌ای از طوایف مانند مسلمانان ندارد، بلکه با طوایف خارج از اسلام سخن می گوید، چنانکه با مسلمانان سخن می گوید، به دلیل خطابات بسیاری که به عنوان کفار و مشرکان و اهل کتاب و یهود و بنی اسرائیل و نصاری دارد و با هر طایفه‌ای از این طوایف به احتجاج پرداخته، آنان را به سوی معارف حقه خود دعوت می کند و هرگز خطاب خود را مقید به عرب بودن آنان نمی کند، چنانکه در مورد مشرکان و بت پرستان می فرماید: «فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ» (توبه/ ۱۱) و در مورد اهل کتاب می فرماید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئاً وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضاً أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران/ ۶۴). چنانکه می بینیم هرگز نفرموده است: اگر مشرکین عرب توبه کنند و نفرموده: ای اهل کتابی که از نژاد عرب هستید (طباطبایی، ۱۳۸۸: ۳۸-۳۷). همچنین در خطابات قرآنی مورد نزول، مخصّص محتوای نازل شده نیست، بلکه قابلیت تعمیم به تمام موارد مشابه دارد. برای مثال در آیه «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا» (هود/ ۱۱۳) صرف اینکه اسلام در زمان نزول این سوره گرفتار قریش و مشرکان مکه و حوالی آن بوده، دلالت ندارد که مقصود این آیه آنان و مراد، نهی از رکون به مشرکان مکه باشد. آیه از تمایل و اعتماد به هر کسی که متصف به صفت ظلم باشد، نهی می کند، چه مشرک باشد یا موحد، اهل کتاب باشد یا مسلمان (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۵۴).

نمونه دیگر آیه ۷ سوره حشر است که حکم فیء و محل مصرف آن را بیان می کند، سپس در ادامه می فرماید: آنچه پیامبر (ص) برای شما آورده، بگیرید و آنچه شما را از آن بازداشته، ترک کنید. بی شک این حکم کلی اختصاص به مورد فیء ندارد و وظیفه مسلمانان در هر زمان و مکان، اطاعت بی چون و چرا از اوامر و پرهیز از نواهی نقل شده از

حضرت است. از طریق این قاعده تمام خطاب‌های مشتمل بر دعوت به عقاید و احکام و ... از چتر سبب نزول خاص خود خارج شده، پرتوافکنی فرازمانی و مکانی می‌یابد.

۴.۴.۱. پاسخ به یک شبهه

ممکن است با استناد به آیه «وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُصَدِّقٌ لِّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتِلْكَ آيَاتُ الْكُرْآنِ وَمَنْ حَوْلَهَا» (انعام/ ۹۲) گفته شود قرآن متنی است کاملاً شخصی و عینی‌شده و ویژگی خاص مردم مکه و مدینه و مقتضیات زمان و جزئیات فرهنگی بر قرآن سایه افکنده و وظیفه مفسران این است که از این متن عینی و شخصی‌شده مفاهیم عام استخراج کنند. در پاسخ به این شبهه گفتنی است:

اولاً: در اینکه فی الجمله برخی آیات عینی‌شده و مطابق با جزئیات فرهنگ زمان نزول اند، بحثی نیست، اما اشکال در تعمیم دادن این امر به کل قرآن است. آیات متعددی دال بر جهانی بودن دعوت قرآن و شمول آن نسبت به تمام بشریت در تمام ادوار هستند که بخشی از آن پیش از این گذشت. این آیات به صراحت مدعای عینی و شخصی بودن پیام‌های قرآن را نقض می‌کنند. ضمن اینکه این امر به‌طور متقابل از سوی مخاطبان قرآن درک می‌شود. صاحبان وجدان و فطرت پاک و خردمندان و اندیشمندان حقیقت‌جو از هر زبان، منطقه و کشور و در هر بازه زمانی از تاریخ با خواندن قرآن، به صورت شهودی خود و فطرت خود را مخاطب بیشتر پیام‌های قرآن می‌یابند. افزون بر آن دعوت رسمی پیامبر (ص) از قدرت‌های بزرگ آن زمان این گفته را تأیید می‌کند. اساساً چگونه ممکن است پیامبر (ص) پادشاهان آن زمان همچون خسرو پرویز را به آیاتی دعوت کند که با فرهنگ عرب حجاز و عقاید خرافی و جاهلی آمیخته و در حد رفع نیاز آنها بوده است؟!؟

ثانیاً: بسیاری از آیات بدون لحاظ هیچ مخاطب خاص یا داشتن قید زمانی یا مکانی و بدون داشتن سبب نزول خاص نازل شده‌اند و فطرت مشترک تمام انسان‌ها را خطاب قرار داده‌اند. قرآن با سرنوشت ابدی انسان سروکار دارد و هدفش رستگاری انسان دنیا و آخرت است، بنابراین راه‌های کلی و خطوط اصلی را نشان می‌دهد و مسیر تکامل انسانی را روشن

می‌کند. برای مثال می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ» (اعراف/ ۹۶). این آیه یکی از خطوط اعتقادی و در عین حال راه درمان مشکلات اقتصادی و رفع مضیقه‌های معیشتی را بیان می‌کند و به صراحت تمام توسعه اقتصادی و گشایش در زندگی مؤمنان و رفع تنگناهای اقتصادی و نزول نعمت و برکات آسمان و زمین را در گرو ایمان و تقوا می‌داند (مصباح‌یزدی، ۱۳۷۹: ۲۲-۲۰). روشن است مفاد این آیه اختصاصی به مردم حجاز ندارد، بلکه مسیر کلی برای سعادت‌مندی انسان در هر دو جهان است. همچنین آیاتی دیگر مانند یونس/ ۴۹؛ اعراف/ ۳۴؛ حجر/ ۵-۴؛ حج/ ۴۶-۴۵؛ مجادله/ ۲۱، بر قوانین کلی و سنن الهی در این دنیا دلالت دارند و سایر آیاتی که مجال ذکرشان اینجا نیست، دیگر شواهد این مدعا هستند. برخی آیات نیز به صورت کلی یک اصل و قاعده ساری و جاری در عالم را بیان می‌کنند: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ» (نور/ ۲۶) که از کشش و جاذبه بین زنان و مردان هم‌مسلك در پاکی و خباثت خبر می‌دهد که به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد.

ثالثاً: در کنار آیه یادشده، آیاتی هستند که به صراحت این ادعا را نفی می‌کنند، مانند «وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ لِأُنذِرَكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَغَ» (انعام/ ۱۹) و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن شما و هر کس را (که این پیام به او) برسد هشدار دهم. قرآن با ذکر کلمه «و من بلغ» (تمام کسانی که این سخن به آنها می‌رسد) رسالت جهانی قرآن و دعوت همگانی آن را اعلام می‌دارد، در حقیقت تعبیری از این کوتاه‌تر و جامع‌تر برای ادای این منظور تصور نمی‌شود و دقت در وسعت آن می‌تواند هرگونه ابهامی را در مورد عدم اختصاص دعوت قرآن به نژاد عرب، زمان و منطقه خاص برطرف سازد. جمعی از دانشمندان از تعبیراتی مانند تعبیر مذکور، خاتمیت پیامبر (ص) را استفاده کرده‌اند، زیرا طبق این تعبیر پیامبر (ص) به تمام کسانی که گفتارش به آنها می‌رسد، مبعوث بوده و این شامل تمام کسانی می‌شود که تا پایان این جهان به دنیا قدم می‌گذارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۱۸۰). مقابله بین «کم» و بین «من بلغ» -یعنی کسانی که دعوت پیامبر (ص) را از خود حضرت نشنیده‌اند، چه معاصران پیامبر (ص) و چه آنانی که پس از حیات حضرت

به وجود می‌آیند - بر اینکه مخاطبان در ضمیر «کم» کسانی‌اند که پیامبر (ص) ایشان را پیش از نزول آیه یا همزمان یا پس از نزول آن دعوت می‌کرد، دلالت می‌کند. «وَمَنْ بَلَغَ» بر این دلالت دارد که رسالت پیامبر (ص) ابدی و جهانی است. قرآن حجت حق و ناطقی است بر اهل دنیا از ناحیه خدا از روز نزول تا روز قیامت (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۳۹).

رابعا: از آیه مورد استناد، انحصار دعوت و انذار قرآن به مردم مکه و اطراف آن فهمیده نمی‌شود، بلکه از لَتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَى (شوری/ ۷) عنایت خاص خداوند به این سرزمین و شرافت بخشی به آن و اختصاصش به آغاز بعثت پیامبر (ص) و ابلاغ دین مبین اسلام و انتشار از این منطقه فهمیده می‌شود (ر.ک: طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۷: ۳۹ و ۲۷۹). مکه اولین زمینی بود که خلق شد و زمین از او بسط داده شد و لذا سایر نقاط زمین، حول مکه است و به همین دلیل می‌فرماید: وَمَنْ حَوْلَهَا؛ زیرا حضرت بر کافه جن و انس مبعوث بود (طیب، ۱۳۶۹، ج ۵: ۱۳۸؛ ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۵: ۳۴۶). «القری» جمع همراه با الف و لام است و کل مجتمعات و مکلفان را در طول زمان و عرض زمین را شامل می‌شود و مکه، مرکز این فرماندهی است (صادقی تهرانی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۳۴).

۵.۴. مبارزه نفس‌گیر قرآن با فرهنگ جاهلی

وجه بعدی نیز مبارزه نفس‌گیر قرآن با فرهنگ جاهلی است. یکی از برنامه‌های اساسی قرآن مبارزه جدی با آرای خرافی و عقاید باطل دوران جاهلیت و تشریح عقاید و احکام جدید و فرازمانی است و در راستای این مبارزه، مکرر از جاهلیت به زشتی یاد و اعتقادات باطل جاهلی را نکوهش می‌کند: «أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (مائده/ ۵۰). قرآن در آیات بسیاری به اعتقادات رایج عصر خود حمله و جانشتین مناسب معرفی می‌کند:

۴. ۵. ۱. مبارزه با عقاید مربوط به اصول دین، توحید و خداشناسی

از آنجا که اسلام دین یکتاپرستی است، بسیار طبیعی است که اعتقادات باطل آنها را در این زمینه نفی کند، مانند آنچه کفار از چهارپایان ذبح شده، نصیبی برای بت‌ها معین می‌کردند (انعام/ ۱۳۶) و برای خدا شریکانی از جن قرار می‌دادند (انعام/ ۱۰۰). برخی از اعتقادات

آنها نیز مربوط به نوع نگرش و باورهای بدی بود که داشتند، بدون آنکه از اصول اعتقادی باشد و نفی آنها در ظاهر ضروری به نظر برسد، با این حال قرآن با همه اینها مبارزه کرد. برای مثال مشرکان ملائکه را مؤنث و دختران خدا می دانستند (زخرف/ ۱۹). آیاتی از قرآن حکایت از این مسئله دارد که عرب آن زمان از یک طرف از داشتن دختر کراهت داشتند و آن را نقص می پنداشتند و از طرف دیگر، چون خدا را خوب نمی شناختند و برای او زاد و ولد قائل بودند، ملائکه را دختران خداوند می پنداشتند (صافات/ ۱۵۰؛ اسراء/ ۴۰). از این رو قرآن آنها را محکوم کرد که چرا دختران را فرزندان خدا معرفی می کنند (زخرف/ ۱۹-۱۸-۱۷؛ نجم/ ۲۲-۲۱؛ صافات/ ۱۵۰-۱۴۹).

۴. ۵. ۲. مبارزه با احکام انحرافی

دیدگاه مشرکان در احکام نیز مورد انتقاد قرآن قرار گرفته است، مثلاً عرب جاهلی، درباره ذبح برخی از چهارپایان به ویژه شتران عقایدی خاص داشتند و گمان می کردند خدا نحر برخی از شتران را ممنوع کرده، قرآن چنین پنداری را باطل دانست (مائده/ ۱۰۳) یا پسرخوانده ها را پسر خود می دانستند. قرآن می فرماید: «وَمَا جَعَلَ أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ» (احزاب/ ۴) و «أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ» (احزاب/ ۵).

۴. ۵. ۳. مبارزه با عادات ناپسند

مواردی که اسلام با سنت ها و رسوم باطل جاهلی مبارزه کرده، فراوان است و اختصاصی به عقاید و احکام عبادی و شریعت ندارد، قرآن گاه با دستورهای اخلاقی یا عادات ناپسند آن عصر مبارزه کرده و مسلمانان را به اخلاق نیکو و رفتار شایسته دعوت کرده است، مثلاً جای دادن افراد در مجالس (مجادله/ ۱۱)؛ بلند صحبت نکردن در حضور پیامبر (ص) و جار نزدن از بیرون خانه آن حضرت (حجرات/ ۴-۲) و ده ها مسئله دیگر از این قبیل. اینها دستورهایی است که رفتار مقابلش در جاهلیت مرسوم بوده که قرآن عکس آن را به صورت کلی توصیه کرده است.

۴.۵. بیان حق و عدل مطلق

قرآن تعصب‌های قومی را لغو کرد و به جای آن هواداری از حق و عدل را تعلیم داد (نساء/ ۱۳۵). در عصر جاهلیت عرب جاهلی در هر حال از نزدیکان خود حمایت می‌کرد و خطاکار یا درستکار، ستم‌کش یا ستمکار بودن او تفاوتی نداشت (پیشوایی، ۱۳۹۷: ۳۷). قرآن این گونه تعصب کور قبیلگی را محکوم و آن را جاهلانه و غیرمنطقی و مقیاس در شهادت دادن را جانبداری از حق و عدل مطلق معرفی و به صراحت اعلام کرد که مقیاس را حب و بغض‌ها و چگونگی ارتباط اشخاص با شهادت‌دهنده قرار ندهند؛ اگرچه به ضرر خود یا بستگانشان باشد. در آیات ۹ حجرات، ۳۵ اسراء و ۹۰ نحل نیز به برپایی عدل و قسط فرمان می‌دهد. این آیه قانون کلی اجرای عدالت در همه موارد بدون استثناء را مقرر می‌دارد و به تمام افراد با ایمان دستور می‌دهد که به عدالت قیام کنند.

۵. سازوکارهای پیام‌رسانی فرا زمانی و فرامکانی قرآن

در بخش پیشین برخی وجوه فراتاریخی بودن پیام‌های قرآن که در موارد خاصی نازل شده‌اند، در دو محور سلبی و ایجابی بیان شد. در این بخش با تمرکز بر آیات قرآن از جهت عبارات و محتوا، سازوکار و چگونگی قرار دادن این پیام‌های جاودانه و فراتاریخ برای تمام انسان‌ها در قرآنی که طی بیست و سه سال در مکه و مدینه و در ظرف زمانی خاص نازل شده است، نشان داده می‌شود.

۵.۱. التفات: تغییر مخاطب

التفات به معنای انتقال کلام از اسلوبی به اسلوب دیگر، می‌تواند صورت‌های مختلفی داشته و در هر کدام حکمت و نکته‌ای نهفته باشد. در مواردی می‌توان از این صنعت یک قاعده کلی را برداشت کرد. برای مثال در آیات افک ابتدا خداوند کسانی را که این تهمت را شنیده بودند، با صیغه «سمعتم» مخاطب قرار داده و در ادامه صیغه را به غائب تغییر داده، می‌فرماید: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ»؛ (نور/ ۱۲) چرا هنگامی که آن (تهمت بزرگ) را شنیدید، مردان و زنان مؤمن به خودشان

گمان نیک نبردند (که این تهمت کار اهل ایمان نیست) و نگفتند: این تهمتی آشکار (از سوی منافقان) است؟ این التفات از ضمیر مخاطب به اسم ظاهر غائب، اصل کلی در تمام زمان‌ها و مکان‌ها را بیان می‌کند و آن اینکه مردان و زنان مؤمن باید یکدیگر را همانند خود دانسته و از هر گمان بد دور بدارند. این نحوه بیان در ضمن ماجرای افک، این پیام کلی را به دست می‌دهد که صفت ایمان موجب نفی هرگونه سوءظن از دیگر مؤمنان خواهد شد. نمونه دیگر آیه ۹ سوره مبارکه آل عمران است که می‌فرماید: «رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» پروردگارا، محققاً تو تمام مردم را در روزی که هیچ شبهه‌ای در آن نیست، جمع سازی، و هرگز خدا نقض وعده خویش نخواهد کرد. در این آیه از اسلوب خطاب «انک» به اسم ظاهر «الله» و صیغه غایب عدول می‌شود. جهت التفات این است که وعده خداوند تنها اختصاص به «راسخان در علم» ندارد و دیگران را هم شامل می‌شود، چون الوهیت حکمی عام است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۳: ۳۱)، بنابراین مخاطب این آیه خود نیز همراه راسخان شده و وعده الهی را شامل حال خود نیز می‌داند.

۵.۲. نتیجه‌گیری‌های کلی از حوادث جزئی

مواردی در قرآن وجود دارد که پس از بیان مسائل و رخدادهای جزئی، راهبردی کلی را به عنوان یک خط‌مشی قابل اجرا در تمام زمان‌ها و مکان‌ها نتیجه‌گیری می‌کند. برای مثال در آیات ۱۱ تا ۱۸ سوره مبارکه نور ماجرای افک و تهمت منافقان به یکی از همسران پیامبر (ص) و بحرانی را که به دنبال آن وجود آمد، بیان کرده و پس از مذمت منافقان و افرادی که ناخواسته به این واقعه دامن زده بودند، در آیه ۱۹ به عنوان یک قاعده کلی کسانی را که دوست دارند کارهای زشت را در جامعه ترویج دهند، تهدید می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يَحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» و در آیه ۲۳ با بیان کلی دیگر این قاعده را تأکید می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لُعْنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ». نیز در اواخر همین سوره به خصوصیت منافقان از جمله سرپیچی از فرمان پیامبر (ص) و آوردن قضاوت نزد حضرت اشاره می‌کند:

«وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ مُعْرِضُونَ وَإِنْ يَكُنْ لَهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ أَفَى قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَنْ يَحِيفَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ بَلْ أُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (نور / ۵۰-۴۷)، سپس به خصوصیت مؤمنان واقعی اشاره کرده: «إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (نور/ ۵۱) و در ادامه به عنوان یک اصل کلی می‌فرماید: «وَمَنْ يَطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ» (نور / ۵۲). نمونه دیگر در سوره آل عمران آیات ۱۲۵ تا ۱۲۶ ناظر بر جنگ بدر است. در این آیات شرط نصرت مؤمنان، صبر و تقوا معرفی شده و خداوند به آنان وعده می‌دهد که با پنج هزار فرشته ایشان را یاری و تأکید می‌کند که نصرت تنها از ناحیه خداست: «بَلَى إِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يَمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ»؛ براساس آیه ۱۲۷ خداوند فرشتگان را به یاری مسلمانان می‌فرستد و در آیه بعد بیان می‌دارد که هیچ کاری چه در نظام تکوین چه در نظام تشریح به دست پیامبر (ص) نیست: «لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ»؛ و در آیه ۱۲۹ به عنوان نتیجه‌گیری بحث می‌فرماید: «وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»؛ همچنین در همین سوره پس از تحلیل رخداد جنگ احد، ترسیم چهره‌های گوناگون افراد و تبیین خطوط کلی به عنوان یک اصل مهم این نکته را یادآور می‌شود که مرگ و زندگی به دست خداست، زیرا گروهی گمان می‌کردند شرکت در جنگ احد سبب مرگ است: «وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُؤَجَّلًا وَمَنْ يَرِدْ تَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يَرِدْ تَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۵).

۵.۳. تجرید حوادث تاریخی از جزئیات و پیگیری اهداف کلی

قرآن آنجا که به نقل حوادث می‌پردازد، تا حد امکان آنها را از جزئیات تجرید کرده و بر

پیام اصلی تمرکز می‌کند. قرآن در بیان قصص گذشتگان بدون بیان جزئیات و ورود به مسائل حاشیه‌ای، اهداف کلی سه‌گانه فراتاریخی را تعقیب و به‌صراحت بیان می‌کند (ر.ک: بی‌نا، ۱۳۸۳):

۵. ۳. ۱. اهداف کلی شناختی

تفکر، هوشیاری، عبرت گرفتن، فهمیدن و تعقل از نوع اهداف شناختی قصص قرآن هستند. یکی از هدف‌های شناختی قرآن در گزارش‌های تاریخی همان عبرت‌آموزی است. از دیگر اهداف قرآن، وادار کردن مردم به تفکر است: «فَأَقْصِبِ الْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (اعراف/ ۱۷۶).

۵. ۳. ۲. اهداف کلی عاطفی

به یقین رسیدن، ایمان داشتن و تقوا پیدا کردن و مصونیت از گناه یافتن و بازگشت به سوی حق، از اهداف عاطفی بیان قصه‌های گذشتگان به‌شمار می‌روند. قرآن با بیان گزارش اقوام گذشته می‌خواهد به جبهه توحید، یعنی به مسلمانان که قرآن بر آنها نازل شده، روحیه داده و در آنها ایجاد نشاط و آرامش کند تا اگر با مشکلاتی مشابه با مشکلات گذشتگان روبه‌رو شدند، خودشان را نبازند و با رجوع به تاریخ انبیای گذشته، ببینند پیروزی با آنها بوده است: «وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ» (هود/ ۱۲۰).

۵. ۳. ۳. اهداف کلی رفتاری

صبر و استقامت و پیروی از پیامبران و انضباط بر قوانین الهی نیز از اهداف رفتاری قصص قرآن است. توجه به داستان پیامبران و سرنوشت اقوام مؤمن و کافر ایشان، زمینه را برای تغییر روحیه و ایجاد روحیه استقامت و پایداری در مسیر توحید و تشویق به عبودیت هموار می‌سازد. از این‌رو خداوند، قصه‌های قرآنی را دارای این ویژگی و هدف از بیان آنها را دستیابی به این هدف در مؤمنان برمی‌شمارد: «تِلْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهَا إِلَيْكَ مَا كُنْتَ

تَعَلَّمُهَا أَنْتَ وَلَا قَوْمُكَ مِنْ قَبْلِ هَذَا فَاصْبِرْ إِنَّ الْعَاقِبَةَ لِلْمُتَّقِينَ» (هود/ ۴۹). برای مثال خداوند در سوره هود پس از بیان سرگذشت امت‌های گذشته و فسق، جحود، انکار و استکبارشان که موجب عذاب استیصال شد، به‌عنوان نتیجه‌گیری از بیان ماوقع می‌فرماید: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَ مِنْ تَابٍ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءٍ ثُمَّ لَا تُنصِرُونَ» (هود/ ۱۱۳-۱۱۲). در این دو آیه که متفرع بر آیات قبل است، دو غرض و نتیجه کلی بیان می‌شود: یکی اینکه از ظالمان نباشند (و طریق عبودیت را طی کنند) و دوم اینکه به ظالمان مایل نباشند و اعتماد نکنند. (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۱: ۵۱). طبق قاعده جری و تطبیق با الغای خصوصیت‌های مورد نزول آیات، می‌توان پیام‌ها و اهداف تربیتی قرآن را از گزارش‌های تاریخی استنباط کرد و آن را به تمام جوامع تعمیم داد.

۵.۴. ضمیمه کردن پیام‌های کلی در لابه‌لای ذکر حوادث

از دیگر تمهیدات در عمومیت‌بخشی به پیام‌های قرآنی و خروج آن از انحصار مخاطبان اولیه، ضمیمه کردن پیام‌های کلی در لابه‌لای ذکر ماجراها و وقایع خاص است. برای مثال در سوره شعراء شاهد تکرار آیه «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ»، بی‌شک در این ماجرا درس و عبرتی بود (ولی) بیشترشان ایمان آورنده نبودند؛ و آیه «وَإِنْ رَبِّكَ لَهَوَّ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ»؛ و یقیناً پروردگارت همان توانای شکست‌ناپذیر مهربان است؛ هستیم. آیه اول در ابتدای سوره پس از مذمت کفرورزی مشرکان و یادآوری مسئله زوجیت در خلقت، پس از پایان قصه موسی و غرق شدن فرعونیان و پیش از شروع قصه حضرت ابراهیم (شعراء/ ۶۷)؛ پس از قصه حضرت ابراهیم و پیش از شروع قصه حضرت نوح (شعراء/ ۱۰۳)؛ بعد از قصه حضرت نوح و پیش از شروع قصه قوم عاد (شعراء/ ۱۲۱)؛ بعد از پایان قصه قوم لوط و پیش از شروع ماجرای اصحاب ایکه (شعراء/ ۱۷۴)؛ پس از ماجرای قوم شعیب قرآن به عنوان ترجیح‌بند قصه‌ها و آیه دوم نیز در آیات ۹، ۱۷۵، ۱۵۹، ۱۴۰، ۱۲۲، ۱۰۴، ۶۸، ۱۹۱ تکرار می‌شود. این سبک از پیام‌رسانی نشان می‌دهد پیام‌های دریافت‌شده از قصص بدون موضوعیت داشتن جزئیات آن حوادث،

هدف اصلی بوده است. نمونه دیگر آیات ابتدایی سوره احزاب است. هنگامی در آیات ۱ تا ۳ سخن اطاعت از خداوند و اطاعت نکردن از کافران و منافقان که بعد از جنگ احد از پیامبر (ص) درخواست مذاکره کرده بودند، به میان می آید، به عنوان یک اصل کلی می فرماید: «مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِي جَوْفِهِ» (احزاب/ ۴) و با این جمله بر عدم امکان همزمان از خداوند و کافران استشهاد می شود یا هنگامی که لحظات سخت و رعب انگیز جنگ احزاب و تزلزل روحی منافقان و قصد فرارشان را ترسیم می کند، می فرماید: «قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا» (احزاب/ ۱۶) و بلافاصله به عنوان اصل کلی می فرماید: «قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا» (احزاب/ ۱۷)؛ بگو چه کسی می تواند شما را از خدا نگه دارد اگر او اراده بدی شما را کرده باشد یا اراده رحمتی نموده باشد، نه، به غیر خدا آنان سرپرست و یآوری نخواهند یافت.

شاهد بعدی آیات ۱۳۴ تا ۱۳۶ آل عمران است. هنگامی که در آیات ۱۳۰ تا ۱۳۳ مسلمانان مخاطب قرار داده شده و سخن از نهی رباخواری و پرهیز از آتش جهنم و لزوم اطاعت از پیامبر (ص) به ویژه در مسائل اقتصادی به میان می آید، ایشان را به شتاب در عوامل بخشایش الهی سفارش و به بهشتی تشویق می کند که برای متقین آماده شوند و از این قسمت به بعد به تفصیل به صورت یک الگو به بیان صفات کلی متقین می پردازد (آل عمران/ ۱۳۶-۱۳۴) و به عنوان تکمله می فرماید: «قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ» (آل عمران/ ۱۳۷). از محتوای قصص جزئی هم باز پیام های کلی فراوانی قابل اصطیاد است که پرداختن به آن از حوصله این مقاله خارج است.

۵. غلبه دادن جنبه هدایتی گزارش های تاریخی قرآن بر جنبه تاریخی آن

قرآن پیش از هر چیز کتاب هدایت است (ابراهیم/ ۱؛ نحل/ ۸۹)، به همین دلیل در بیان مسائل در موضوعات تاریخی از شیوه مورخان استفاده نکرده و از روش های خاصی

برخوردار است. هدف قرآن در بیان موضوعات تاریخی این نیست که داستان و ماجرای تاریخی را از گذشته بیان و عبور کند، بلکه هر کلمه از یک گزارش تاریخی، دارای حکمت و خصوصیت هدایتی است. گزارش‌های تاریخی قرآن همه آشکارا جانبدارانه است. قرآن در بیان رخداد‌های تاریخی قضاوت می‌کند. آن گروه را که حق می‌داند، می‌ستاید و طرف دیگر را که باطل است، لعن می‌کند و وعده عذاب می‌دهد، چون گزارشگر خداست و می‌داند کدام طرف حق و کدام باطل است (ر.ک: جعفری، ۱۳۸۴: ۷-۵) و بدین وسیله مسیر هدایتی آیندگان را برای همیشه مشخص می‌کند.

۶. نتیجه

قرآن، کلام جاودانه خداوند که راهنمای زندگی بشر تا روز قیامت است، طبق مصلحت الهی طی ۲۳ سال همراه با زیست پیامبر (ص) و در ظرف زمانی و مکانی خاصی نازل شد، اما این امر مانع امتداد پیام‌های قرآن پس از دوره نزول و بعثت پیامبر (ص) نخواهد شد. صرف نظر از ادله کلامی جاودانگی قرآن و وجوه نافی تاریخی بودن پیام‌های قرآن، تشریح امر امامت و ولایت امام معصوم در ظروف زمانی گوناگون در کنار قرآن و با هدف ادامه هدایت نبوی و استمرار بخشیدن همیشگی به رابطه خلق با خالق در کنار خطاب‌های عام قرآنی و مبارزه جدی با فرهنگ جاهلی از وجوه اثبات‌کننده فراتاریخی بودن قرآن هستند. افزون بر آن در قرآن تمهیدات حکیمانه و سازوکارهایی به کار رفته است تا پیام‌های قرآنی از قالب خاص زمانی-مکانی یا احیاناً سبب نزول خود مجرد شود و تمام بشریت را مخاطب خود قرار دهد. به کارگیری شیوه خاص در بیان قصص یا حوادث تاریخی و جزئی که برخی از نمونه‌های آن گذشت و نیز مواردی همچون صنعت التفات و غلبه جنبه هدایتی قرآن، شواهد این مدعا هستند. توجه به این موارد، جاودانه بودن محتوا و آموزه‌های والای قرآن را بر صاحبان خرد و اندیشه ثابت می‌کند.

کتابنامه

- قرآن کریم

۱. ابوزید، نصر حامد (۱۳۸۰). *معنای متن*، ترجمه مرتضی کریمی نیا، تهران: طرح نو.
۲. _____ (بی تا). «قرآن و فرهنگ زمانه؛ گفت و گو با نصر حامد ابوزید سال ۱۹۸۳»، *خردنامه*، ش ۲۰.
۳. ایازی، محمدعلی (۱۳۷۸). *قرآن و فرهنگ زمانه*، رشت: کتاب مبین.
۴. پیشوایی، مهدی (۱۳۹۷). *تاریخ اسلام*، قم: معارف.
۵. بی نا (۱۳۸۳). «تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری در قرآن کریم»، کتاب روش، پیش شماره ۲ و ۳.
۶. جعفری، یعقوب (۱۳۸۴). «تاریخ در قرآن»، *تاریخ اسلام در آینه پژوهش*، ش ۷، ص ۲۴-۵.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). *هم‌تابی قرآن و اهل بیت (ع)*، قم: اسراء.
۸. سروش، عبدالکریم (۱۳۸۵). *بسط تجربه نبوی*، تهران: صراط.
۹. _____ (۱۳۷۸). *صراط‌های مستقیم*، تهران: صراط.
۱۰. _____ (۱۳۸۶). «محمد آفریننده قرآن است»، *بازتاب اندیشه*، ش ۹۶، ص ۲۲-۷.
۱۱. _____ (۱۳۸۱). «اسلام، وحی و نبوت»، *بازتاب اندیشه*، ش ۲۷، ص ۶۷-۵۶.
۱۲. صادقی تهرانی، محمد (بی تا). *التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم*، قم: دفتر مؤلف.
۱۳. _____ (۱۳۸۸). *ترجمان فرقان: تفسیر مختصر قرآن کریم*، قم: شکرانه.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸). *قرآن در اسلام*، قم: بوستان کتاب.
۱۵. _____ (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: اعلمی.
۱۶. طباطبایی، محمدحسین؛ خسروشاهی، هادی (۱۳۸۷). *شیعه: مجموعه مذاکرات با پرفسور هانری کربن (خسروشاهی)*، قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۱۷. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: اسلام.
۱۸. عرب صالحی، محمد (۱۳۸۷). *تاریخی‌نگری و دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی*.
۱۹. _____ (۱۳۹۵). «مبانی تاریخ‌مندی قرآن و تحلیل و نقد مبنای

- وحي شناختی آن»، فلسفه دین، ۱۳۹۵، دوره ۱۳، ش ۴.
۲۰. غزالی مصری، محمد (۱۳۶۳). محاکمه گلدزیهر صهیونیست، ترجمه صدر بلاغی، تهران: حسینیه ارشاد.
۲۱. قیطوری، عامر (۱۳۸۲). قرآن ساخت‌شکنی و بازگشت نشانه، تهران: طه.
۲۲. مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی (۱۳۸۹). فرهنگ‌نامه اصول فقه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۹). قرآن در آیین نهج‌البلاغه، قم: مؤسسه امام خمینی (ره).
۲۴. ملکیان، مصطفی (۱۳۸۱). «عقلانیت، دین، نواندیشی»، ماهنامه نامه، ش ۱۶، ص ۶۹-۶۰.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۶. _____ (۱۳۸۶). آیات ولایت در قرآن، قم: نسل جوان.